

پانیوم — شماره شانزده

زمان آخر

Jeff Pippenger

2026-02-19

دانیال یازدهم با معرفی دونالد ترامپ به عنوان آخرین رئیس جمهور ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس آغاز می شود. در سال سوم کورش، که رؤیا در همان جا در باب دهم آغاز شد، در آیه نخست باب یازدهم با واژه «نیز» تکمیل می گردد.

اور میں بھی مادی دارا کے پہلے سال میں، یعنی میں ہی، اس کی تائید اور تقویت کے لیے کھڑا رہا۔ دانی ایل 11:1.

جبریل با دقت به داریوش بازمی گردد و در آغاز روایت خود از فصل یازدهم، او را به کورش پیوند می دهد. فصل دهم به صورت یک رؤیا تا آخرین آیه فصل دوازدهم ادامه می یابد، و این رؤیا در سال سوم کورش آغاز می شود.

در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که نامش بلطشصر خوانده می شد مکشوف گردید؛ و آن امر راست بود، اما زمان معین دراز بود؛ و او آن امر را دریافت و رؤیا را فهم کرد. دانیال 10:1.

داریوش همراه با کورش، نماد ملت دوگانه مادها و پارس ها را تشکیل می دهند که بیانگر قدرت دوگانه جمهوری خواهی و پروتستانیسم در ایالات متحده است؛ و بدین سان، نماد دوگانه زمان آخر را نمایندگی می کنند. تولد هارون و موسی، زمان آخر نبوت چهارصدساله ابراهیم را در آغاز اسرائیل باستان مشخص ساخت؛ همچنین، تولد یحیای تعمیددهنده و مسیح نیز دو نشانه زمان آخر را در پایان اسرائیل باستان نمایان ساخت. عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد.

داریوش و کورش با هم، آن نشانه راه را نمایندگی می کنند که به عنوان زمان آخر معرفی شده است؛ زمانی که اسارت هفتادساله در بابل به پایان رسید.

«کلیسای خدا بر زمین، در طی این دوره طولانی آزار بی امان، به همان سان در اسارت بود که بنی اسرائیل در دوران تبعید در بابل در اسارت بودند.» انبیا و پادشاهان، 714.

داریوش و کوروش نمودگار سال های 1798 و 1799 هستند و زمان پایان را بازنمایی می کنند؛ هنگامی که اسارت موازی اسرائیل روحانی در بابل روحانی به پایان رسید. سال 1798 پایان نظام سیاسی پاپی را مشخص کرد؛ نظامی که به صورت وحشی تصویر شده است که فاحشه روم بر آن سوار بود.

پس او مرا در روح به بیابان برد؛ و زنی را دیدم که بر حیوانی به رنگ ارغوان نشسته بود، حیوانی آکنده از نام های کفر، و دارای هفت سر و ده شاخ. مکاشفه ۱۷:۳.

ناپلئون در سال 1798 به زندگی آن وحش پایان داد، و در سال 1799، آن زنی که بر وحش سوار بود، در تبعید درگذشت. در سال 1989، هم رونالد ریگان و هم جورج بوش پدر رئیس جمهور بودند، و این زمان آخر را در سال 1989 مشخص ساخت. داریوش و کورش نماینده ریگان و بوش پدر هستند. آیه دو چنین می گوید:

و اکنون حقیقت را به تو خواهم نمود. اینک، هنوز سه پادشاه در پارس برخوانند خاست؛ و چهارمین از همه ایشان بسی دولتمندتر خواهد بود؛ و او به نیرویی که از ثروتش برمی خیزد،

همگان را بر ضد مملکت یونان برخاوه انگيخت. دانيال 11:2.

بيداري

داریوش، ریگان بود؛ کوروش، بوش بزرگتر بود؛ و آن سه تن که پس از کوروش آمدند، کلینتون، بوش کوچکتر، و اوباما تفرقه افکن بودند؛ و رئیس جمهور چهارم و «بسیار دولتمندتر» که جهانی گرایان یونان را برانگیخت، ترامپ بود. واژه «برانگیختن» به معنای بیدار کردن است. هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۱۵ نامزدی خود را اعلام کرد، جهانی گرایان، که یوئیل آنان را «امت‌ها» معرفی می‌کند، بیدار شدند.

بگذار قوم‌های بت پرست بیدار شوند و به وادی یهوشافاط برآیند؛ زیرا در آنجا خواهم نشست تا بر تمامی قوم‌های اطراف داوری کنم. داس را به کار اندازید، زیرا محصول رسیده است؛ بیاوید، فرود آیید، زیرا چرخش پر است و حوض‌ها لبریز شده‌اند؛ زیرا شرارت ایشان عظیم است. انبوه‌ها، انبوه‌ها در وادی تصمیم؛ زیرا روز خداوند در وادی تصمیم نزدیک است. یوئیل 3:12-14.

.Cuando los "paganos" sean despertados, "cercano está el día de Jehová" en el valle de Josafat. "Josafat" significa juicio de Jehová; y el valle también es llamado el valle de la decisión. A partir de 2015, las "multitudes" del planeta tierra comenzarán a entrar en los diversos manojos preparados para cada excusa dada por los hombres para no decidir servir a Dios. En el 11 de septiembre comenzó el juicio de los vivos, y en 2015 Trump anunció que procuraría la presidencia. En el 11 de septiembre comenzó a caer la primera fase de la lluvia tardía, y la lluvia tardía es lo que lleva a fructificación la cosecha; y en 2015, catorce años después de iniciada la lluvia que produce la cosecha madura, el libro de Joel hace sonar la advertencia de que cuando Donald Trump "agita el reino de Grecia", o como dice Joel, cuando Trump "despierta a los paganos en 2015", la cosecha del planeta tierra está comenzando a madurar

لازم است تشخیص داده شود که نخستین حقیقتی که در دانیال یازده ذکر شده، نقش نبوی دونالد ترامپ است. نخستین پادشاهی نبوت کتاب مقدس که در کتاب دانیال نمایانده شده، بابل است. تصور کنید داستان بابل در کتاب دانیال را، اگر نوکدنصر از سوی الهام برای برپاداشتن یک الگوی نبوی به کار گرفته نشده بود. ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس بدون شهادت آخرین فرمانروای آن پادشاهی ناقص است. قاعده نخستین ذکر، اهمیت ترامپ را به عنوان نمادی با اهمیت بنیادی در رؤیایی که دانیال در روز بیست و دوم، پس از آنکه سه هفته روزه گرفته بود، دریافت کرد، تثبیت می‌کند.

لیکن فارس کی مملکت کے رئیس نے اکیس دن تک میری مخالفت کی؛ مگر دیکھو، میکائیل، جو سرکردہ رئیسوں میں سے ایک ہے، میری مدد کے لیے آیا؛ اور میں وہاں فارس کے بادشاہوں کے پاس ٹھہرا رہا۔ اب میں اس لیے آیا ہوں کہ تجھے سمجھا دوں کہ آخری ایام میں تیری قوم پر کیا گزرے گی، کیونکہ یہ رویا ابھی بہت دنوں کے لیے ہے۔ دانی ایل 10:13، 14.

رؤیای فصل یازدهم نشان می‌دهد که در ایام آخر چه بر سر قوم خدا می‌آید، و اینکه ترامپ به عنوان رهبر ایالات متحده، و پس از آن سازمان ملل متحد، حقیقتی است که پیامدهای ابدی وابسته به فهمیدن یا نفهمیدن آن حقیقت دارد. آن حقیقت برای جبرئیل چنان اهمیت داشت که به دانیال منتقل کند که در آیه چهارده، دانیال از نوری که فرشته جبرئیل فراهم ساخت ثبت می‌کند که این «دزدان قوم تو» هستند که رؤیا را برقرار می‌سازند. پی‌گرفتن درست حرکات دونالد ترامپ در نبوت، بدون

به کارگیری روم به عنوان الگو برای تشخیص ردپاهای ترامپ در تاریخ نبوی دانیال یازده، ناممکن است.

ترامپ، به عنوان نمادی از ایالات متحده در دوره زمانی قانون یکشنبه، تصویری از وحش را تشکیل می‌دهد، و با انجام این کار، وحش را تکریم می‌کند؛ بنابراین، هم تصویری از وحش است و هم تصویری به افتخار وحش. در مکاشفه 17، پاپیت هشتمین است، یعنی از آن هفت است، و دونالد ترامپ از زمان ریگان در وقت آخر در سال 1989، هشتمین رئیس‌جمهور است، اما او همچنین ششمین است، که بدین معناست که او هشتمینی است که از آن هفت است.

در مکاشفه هفده، یوحنا در آیه سه به بیابان برده می‌شود، جایی که فاحشه‌ای را می‌بیند که بر وحشی سوار است. این فاحشه از سوی هر فرقه عمده پروتستان به عنوان کلیسای کاتولیک شناخته شده است، هرچند همه آنان در ایام آخر باورهای بنیادی خود را انکار می‌کنند. هنگامی که یوحنا او را دید، کلیسای روم از خون شهیدان مست بود، و عنوان مادر فاحشه‌ها را بر خود داشت. این امر نشان می‌دهد که یوحنا به سال 1798 منتقل شد، جایی که پاپیت خون شهادت را بر خود داشت و برخی از کلیساهای سابقاً پروتستان از پیش در حال بازگشت به مشارکت کاتولیک رومی بودند. از آن موضع، یوحنا «هفت پادشاه» را دید که پنج تن از آنان تا سال 1798 از پیش سقوط کرده بودند، و یک پادشاهی در سال 1798 وجود داشت، و آن پادشاهی ایالات متحده بود؛ اما پادشاهی دیگری، مرکب از ده پادشاه، پس از آن می‌آمد، زیرا در سال 1798، در جایی که یوحنا ایستاده بود، پادشاهی هفتم هنوز نیامده بود. آن ده پادشاه برای ساعت بحران قانون یکشنبه فرمانروایی می‌کنند، و موافقت می‌نمایند که پادشاهی هفتم خود را به وحش پادشاهی پنجم بدهند، همان که در سال 1798 زخم مهلکی دریافت کرده بود.

عدد «8» نماد رستاخیز است، و پاپیت همان هشتمی است که از میان هفت است، آنگاه که زخم مهلکش در اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب—که در قانون یکشنبه‌ای قریب الوقوع رخ می‌دهد—شفا می‌یابد. در سال 2020، جهانی‌گرایان انتخابات را از ترامپ دزدیدند و او در خیابان‌های مکاشفه یازده کشته شد. دو شاهد مکاشفه یازده نماینده دو شاخ وحش زمین هستند که هر دو در سال 2020 کشته شدند. ترامپ، از زمان پایان در 1989، ششمین رئیس‌جمهور پس از ریگان است؛ اما تا سال 2024، او همچنین همان هشتمی است که از هفت پادشاه پیشین است. در سال 2024، زخم مهلک او شفا یافت و او هم‌زمان به همان هشتمی که از میان هفت است تبدیل شد، در انطباقی کامل با نماد نبوی‌ای که رؤیا را استوار می‌سازد. اگر روم را نداشته باشید، هیچ توانایی برای پی‌گیری حرکات صورت روم نخواهید داشت.

ماگا

برای درک این‌که چگونه ترامپ، هنگامی که «۲۵۰» سال نرون به پایان می‌رسد، کنستانتین کبیر است، یا چگونه او در سال ۲۰۷ ق.م. آنتیوخوس کبیر است، یا چگونه او آخرین رئیس‌جمهوری است که تمام جنبش عصر طلایی‌اش بر «عظیم» ساختن آمریکا مبتنی است، لازم است پذیرفته شود که این فصل نخست از ترامپ و نقش نبوتی او یاد می‌کند.

دستخط «حقیقت» که با واژه عبری «حقیقت» نمایانده می‌شود و از حرف اول، سیزدهم و بیست‌ودوم الفبای عبری تشکیل شده است، ریگان را به عنوان حرف اول، و اوباما را به عنوان حرف سیزدهم عصیان مشخص می‌کند؛ چنان‌که این امر در سال 2013 نمود یافت، زمانی که رهبر پیشین دفتر تفتیش عقاید جای خود را به نخستین پاپ یسوعی داد. از آنجا که رهبر تفتیش عقاید کناره‌گیری کرد، نقطه پایان او با نقطه آغاز پاپ یسوعی منطبق می‌شود. آن پیوند میان دو پاپ اوباما، 13 مارس 2013 بود. اوباما با حرف سیزدهم عصیان هم‌راستا است، و حرف بیست‌ودوم ترامپ است.

متمم بیست و دوم، ریاست جمهوری را به دو دوره محدود می‌سازد، و هنگامی که رؤسای جمهوری دودوره‌ای را که دوره‌هایشان متوالی نبوده است در نظر می‌گیریم، تنها دو تن وجود دارند. گروور کلیولند، آلفای رؤسای جمهوری دودوره‌ای با دوره‌های غیرمتوالی است، و ترامپ، امگا. گروور کلیولند بیست و دومین رئیس‌جمهور بود، و ترامپ، به عنوان امگای نسبت به کلیولند، تمایز آلفایی «22» را در خود دارد. کلیولند و ترامپ نمایانگر آلفا و امگایی هستند که دربردارنده نمادپردازی حرف بیست و دوم الفبای عبری است. تنها دو رئیس‌جمهور بوده‌اند که دو دوره غیرمتوالی داشته‌اند، و ترامپ دومی آن دو است. دو امگا ضرب در بیست و دوی آلفا برابر است با چهل و چهار، نمادی از 1844، که خود نمادی از در بسته در قانون یکشنبه است، چنان‌که به واسطه در بسته 1844 پیش‌نمون شده است. ترامپ چهل و چهارمین شخص متمایز است که رئیس‌جمهور شده است، و او در زمانی رئیس‌جمهور است که در در قانون یکشنبه بسته می‌شود.

ترامپ به صورت نمونه‌ای به وسیله کوروش بزرگ پیش‌نموده شده است. کوروش بزرگ فرمان نخست را صادر کرد و اردشیر بزرگ فرمان سوم را صادر نمود. فرمان نخست و سوم با یکدیگر هم‌راستا هستند، زیرا عیسی همواره پایان را به وسیله آغاز به تصویر می‌کشد. ترامپ در آنجاست هنگامی که «۲۵۰» سال نرون، که به وسیله کنستانتین بزرگ نمایانده شده است، به پایان می‌رسد. در پایان «۲۵۰» سال از ۴۵۷ پیش از میلاد، ترامپ به وسیله آنتیوخوس بزرگ نمایانده می‌شود، که در سال ۲۰۲۴ نیرومندتر از پیش بازگشت، در تحقق آیه سیزدهم.

زیرا پادشاه شمال بازخواهد گشت و انبوهی بزرگ‌تر از نخستین بسیج خواهد کرد، و بی‌گمان پس از چند سال با سپاهی عظیم و اموالی فراوان خواهد آمد. دانیال 11:13.

وقتی ایالات متحده در زمان قانون یکشنبه به دست روم مغلوب می‌شود، آنگاه هر کشوری در جهان ناگزیر می‌گردد در برابر روم سر فرود آورد.

«ملت‌های بیگانه از نمونه ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، با این حال همان بحران بر قوم ما در همه نقاط جهان واقع خواهد شد.» شهادت‌ها، جلد ۶، ص. ۳۹۵.

«اقوام بیگانه» به وسیله ایالات متحده مجبور به انجام این کار می‌شوند؛ همان کشوری که در قانون یکشنبه‌ای به زودی واقع‌شونده رهبری سازمان ملل متحد را بر عهده می‌گیرد. سازمان ملل متحد همان ده پادشاه مکاشفه 17 است که تحت سلطه آخاب، پادشاه ده سبط شمالی، قرار دارند؛ همو که با ایزابل ازدواج کرده است. ازدواج ایزابل با آخاب همان ازدواجی است که در قانون یکشنبه‌ای به زودی واقع‌شونده به کمال می‌رسد. در قانون یکشنبه، ایالات متحده - سرزمین جلال دانیال یازده، و حیوان زمینی مکاشفه سیزده - تاریخ خود را به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پایان می‌رساند. بر کوه کرم، 850 نبی بعل و کاهنان بیشه که بر سفره ایزابل می‌خوردند، به دست ایلیا کشته می‌شوند. ایالات متحده در قانون یکشنبه‌ای به زودی واقع‌شونده کشته می‌شود، همان‌گونه که انبیای دروغین در کوه کرم کشته شدند. از آن پس، داستان میان ایلیا، در برابر آخاب و ایزابل، جریان می‌یابد، و آخاب نماینده یک پادشاهی ده‌گانه است که به وسیله همان کسی اداره می‌شود که نخست با ایزابل زنا کرد. ایزابل قصد دارد با هر پادشاهی‌ای زنا کند، اما آخاب نماینده نخستین کسی است که چنین کرد، و این ایالات متحده است که در کوه کرم می‌میرد و بی‌درنگ نخستین معشوق ایزابل می‌گردد. از منظر دانیال یازده، در همان‌جا، در قانون یکشنبه، است که ترامپ همچون پادشاه مقتدر یونان، که اسکندر کبیر نماینده آن است، برمی‌خیزد.

او پیاوئی که به‌ه‌ئ‌ز ه‌ل‌ده‌ست‌ئ‌ت، که به ده‌س‌ه‌ل‌ات‌ئ‌کی گ‌ه‌وره ف‌ه‌رمان‌ره‌وایی ده‌کات و ه‌ه‌رچی‌ه‌ک ل‌ه ویستی خ‌ویدا ب‌ئ‌ت ئ‌ه‌نجامی ده‌دات. و کات‌ئ‌ک ه‌ل‌سا، شان‌شین‌یه‌ک‌ه‌ی ده‌شک‌ئ‌ت و ب‌و چوار باکانی ئ‌اسمان داب‌ه‌ش ده‌کرئ‌ت؛ نه ب‌و نه‌وه‌کانی خ‌وی، و نه به پ‌ئی

ئو دھسہ لاتہی کہ فہرمان رہوایی پئے دہ کرد: چونکہ شانشینیہ کہی
ہل دہ کہ ہندرت، بو کہ سانئ کی تر جگہ لہ وانہ. دانیال 11:3، 4.

ڈونلڈ ٹرمپ اقوام متحدہ کے اُس «زبردست بادشاہ» کے طور پر کھڑا ہوتا ہے، جس کی آیت میں نمائندگی کی گئی ہے اور جس کے بعد سکندر اعظم کی تاریخ کے ذریعے اُس کی تمثیل پیش کی گئی ہے۔ جب وہ کھڑا ہوتا ہے تو بائبل کی نبوت کا چھٹا مملکت، یعنی ریاستہائے متحدہ، ختم ہو جاتا ہے، اور مکاشفہ سترہ کے دس بادشاہوں کی ساتویں مملکت شروع ہو جاتی ہے۔ وہ دس بادشاہ اپنی ساتویں مملکت کا آغاز وہاں اور اُسی وقت اس بات پر متفق ہو کر کرتے ہیں کہ اپنی ساتویں مملکت پوپائی اقتدار کے حوالے کر دیں، جو اٹھویں مملکت ہے، اور جو پہلے کی سات مملکتوں میں سے ہے۔ اُن کا یہ اتفاق خدا کی مرضی پوری کرنے کے لیے تھا، اور اُس کی مرضی صحائف حق میں سطر پر سطر نمایاں کی گئی ہے۔

روم کی تمثیل کرتے ہوئے

دانیال باب یازدہ کی آیات پانچ تا نو ایک ایسی نبوتی تاریخ میں پوری ہوئیں جس نے اسی باب کی آیات اکتیس تا چالیس میں بیان کی گئی پاپائی قوت کی تاریخ کی کامل تمثیل پیش کی۔ آیات پانچ تا نو میں مذکور تاریخی سلسلہ، آیات اکتیس سے آیت چالیس تک کے تاریخی سلسلے کے متوازی ہے۔ دونوں سلسلے ایک ایسے دور کی نشان دہی کرتے ہیں جس میں پاپائی روم کی نمائندگی کرنے والی قوت نے پہلے تین رکاوٹوں پر غلبہ پایا، پھر ایک مدت تک حکومت کی، یہاں تک کہ ایک شکستہ عہد نے اُن کے خلاف ایک جنوبی بادشاہ کو لے آیا، جس نے اُن پر ایک مہلک زخم وارد کیا۔ ان دونوں سلسلوں کا جس قدر قریب سے مطالعہ کیا جائے اور تاریخ کے ساتھ ان کا تقابل کیا جائے، اسی قدر زیادہ گہرے طور پر ان کی صحت و درستی پہچانی جاتی ہے۔ ان کی درستی کا تعلق اس امر سے ہے کہ وہ آیات کے اندر موجود ساخت کی کس قدر دقیق نمائندگی کرتے ہیں، اور نیز اس تاریخ کی بھی جس نے ان آیات کو پورا کیا۔

تاریخی کہ پنج آیہ را بہ تحقق رسانید، با تاریخ روم پاپی کہ در آیات سیویک تا چہل بیان شدہ است، بہ موازات پیش می رود و با آن ہماہنگ است، و زمینہ را برای معرفی انطیوخس کبیر در آیات دہ تا پانزدہ فراہم می آورد۔

لیکن اس کے بیٹے برانگیختہ ہوں گے، اور بڑی بڑی فوجوں کا ایک ہجوم جمع کریں گے؛ اور ایک یقیناً آئے گا، اور سیلاب کی مانند امڈتا اور گزرتا چلا جائے گا؛ پھر وہ لوٹے گا، اور اپنے قلعہ تک برانگیختہ رہے گا۔ دانی ایل 11:10۔

در تحقق آیہ دہ، آنتیوخوس کبیر تا دژ مصر پیروزمندانہ پیش رفت و در آنجا برای تجدید قوا بہ لشکرکشی پاپان داد۔ آن تاریخ، فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی را در سال ۱۹۸۹ نمونہ وار می نمایاند، چنان کہ در آیہ چہل ہمان فصل بازنمایی شدہ است۔

و در زمان آخر، پادشاہ جنوب بہ او حملہ ور خواہد شد؛ و پادشاہ شمال ہمچون گردبادی بر او خواہد تاخت، با اراہہ ہا و سواران و کشتی ہای بسیار؛ و او بہ سرزمین ہا داخل خواہد شد، و چون سیل سرازیر گشتہ، عبور خواہد کرد۔ دانیال 11:40۔

عبارت آیت دہم، «یقیناً آئے گا، اور امڈ پڑے گا، اور گزر جائے گا»، عبرانی متن میں بعینہ آیت چالیس کے اس فقرے کے مماثل ہے: «وہ ممالک میں داخل ہوگا، اور امڈ پڑے گا اور گزر جائے گا۔» دونوں آیات اس وقت کی نشان دہی کرتی ہیں جب شمال کا بادشاہ (آیت دہم میں انطیوکس اور آیت چالیس میں ریگن) جنوب کے بادشاہ کو شکست دیتا ہے (آیت دہم میں بطلموس اور آیت چالیس میں سوویت یونین)۔ دونوں حملے جنوب کے بادشاہ کی پیشگی فتح کے انتقامی جواب تھے (آیات پانچ تا نو میں

بطليموس اور آیت چالیس میں (نپولین)۔ حملے کے لیے جنوبی بادشاہ کا محرک ایک ٹوٹا ہوا عہد تھا (آیات پانچ تا نو میں برنیس کی شادی، اور نپولین کے ساتھ 1797ء کا ٹوٹا ہوا معاہدہ تولنتینو)۔ ان آیات کے اندر نمایاں نبوتی ساخت، اور تاریخ میں ان آیات کی بعد کی تکمیل بھی، یسعیاہ 8:8 کے ساتھ ہم آہنگ ہے۔

اور وہ یہوداہ میں سے گزرے گا؛ وہ اُمدے گا اور بڑھتا چلا جائے گا، وہ گردن تک پہنچ جائے گا؛ اور اُس کے پروں کا پھیلاؤ، اے عمانوئیل، تیری سرزمین کی وسعت کو بھر دے گا۔ یسعیاہ 8:8۔

ہنگامی کہ اشعیا پیشگوئی می کند کہ لشکر سنحاریب «طغیان کردہ، عبور خواہد کرد»، بار دیگر همان واژہ عبری آیات دہ و چہل بہ کار رفتہ است۔ اشعیا مشخص می سازد کہ در چہ ہنگام سنحاریب، پادشاہی شمالی، پادشاہی جنوبی یہوداہ را مغلوب ساخت، اما اورشلیم را برپا باقی گذاشت، زیرا او فقط «تا گردن» رسید، همان گونه کہ انطیوخس در آیہ دہ تا مرز رسید۔ انگیزہ سنحاریب این بود کہ حزقیا عہد با آشور را شکستہ بود، چنان کہ این امر در توقف خراج مورد توافق از سوی حزقیا نمایان شد۔ عہد شکستہ، ناہنجاری این سہ آیہ موازی است۔ ہر یک از آنہا مشتمل بر عہدی شکستہ بود، اما در مورد بطلمیوس و ناپلئون، این پادشاہ شمال بود کہ بہ شکستن عہد متہم می شد۔ سنحاریب، پادشاہ شمال، حزقیا را بہ امتناع از پرداخت خراج مقرر متہم ساخت۔

اور حزقیاء بادشاہ کے چودھویں برس میں اسور کے بادشاہ سنحاریب نے یہوداہ کے سب فصیل دار شہروں پر چڑھائی کی اور اُن کو لے لیا۔ تب یہوداہ کے بادشاہ حزقیاء نے لکیسی کو اسور کے بادشاہ کے پاس کہلا بھیجا کہ مجھ سے خطا ہوئی؛ میرے پاس سے لوٹ جا۔ جو کچھ تو میرے ذمہ ٹھہرائے گا میں برداشت کروں گا۔ اور اسور کے بادشاہ نے یہوداہ کے بادشاہ حزقیاء پر تین سو قنطار چاندی اور تیس قنطار سونا مقرر کیا۔ اور حزقیاء نے وہ ساری چاندی جو خداوند کے گھر میں اور بادشاہ کے محل کے خزانوں میں پائی جاتی تھی، اُسے دے دی۔ 2 سلاطین 18:13-15۔

لشکر شمالی سنحاریب در مسیر خود بہ سوی اورشلیم، چہل و شش شہر یہوداہ را تصرف کرد۔ از حیث نبوی، این امر دارای اہمیتی عظیم است کہ اشعیا ۸:۸ با آیات دہ و چہل ارتباط می یابد و بدین سان، شاہد سومی بر فروپاشی پادشاہی جنوبی اتحاد جماہیر شوروی در سال ۱۹۸۹ فراہم می آورد۔ آن فروپاشی، آغاز دورہ ای از آیہ چہل را نشان می دہد کہ خالی است۔ از تحقق آیہ چہل در سال ۱۹۸۹ تا آیہ چہل و یک، کہ نمایانگر قانون یکشنبہ ای قریب الوقوع است، در آیہ چہل دورہ ای خالی وجود دارد۔ آن دورہ از ۱۹۸۹ آغاز می شود و بہ قانون یکشنبہ خاتمہ می یابد۔ آیہ چہل دربارہ آن بازہ زمانی چیزی نمی گوید، اما آیہ چہل را می توان با روش شناسی «سطر بر سطر» فہمید۔

یک «کلید» اساسی برای اثبات تاریخ پنهان آیہ چہل، شہادت اشعیا دربارہ جنگ تلافی جویانہ پیروزمندانہ پادشاہی شمالی بر ضد پادشاہی جنوبی است۔ خواہ این امر شورش حزقیا باشد کہ از پایبندی بہ تعہد پیشین خود برای پرداخت «خراج» بہ آشور دست کشید، یا کنار گذاشتہ شدن برنیس بہ دست آنتیوخوس، یا معاہدہ تولنتینو ناپلئون؛ ہر سہ آیہ بہ واسطہ تاریخ ہایی تحقق یافتند کہ بر نقض یک معاہدہ بہ عنوان انگیزہ زیربنایی حملہ تأکید دارند۔ در دوران ریاست جمہوری اوہاما، تحت وزارت امور خارجہ جان کری، معاون وزیر، ویکتوریا نولاند، یک انقلاب رنگی را برای سرنگونی دولت اوکراین پدید آورد۔ از آن زمان بہ بعد، دربارہ جنگ اوکراین دو سوی یک مجادلہ وجود داشتہ است؛ پوتین می گوید کہ مسئلہ، نقض یک معاہدہ بودہ است، و مخالفان او می گویند معاہدہ ای کہ پوتین بدان اشارہ می کند ہرگز در آن چارچوبی کہ او ادعا می کند وجود نداشتہ است۔ اینکہ آیا واقعاً معاہدہ ای بستہ شد و سپس نقض گردید، یا بالعکس، اہمیتی ندارد، زیرا گزارش نبوی صرفاً نقض یک معاہدہ را بہ عنوان انگیزہ جنگ ثبت می کند۔

اشعیاہ 8:8 یہ دیکھنے کے لیے "کلید" فراہم کرتی ہے کہ شمالی بادشاہ صرف گردن تک، یا سر تک ہی فتح کرتا ہے۔ یہ "کلید" روس کو اُس سر کے طور پر مشخص کرتی ہے جو 1989 میں جسم کے انہدام کے بعد قائم رہ گیا تھا۔ آیت آٹھ کی نبوتی اہمیت صرف سر کی شناخت کرنے والی اس "کلید" میں ہی نہیں پائی جاتی، بلکہ "گردن" کی اُس شناخت میں بھی ہے جو سر، یا دارالحکومت کی نمائندگی کرتی ہے؛ اور یہ بات صرف اشعیاہ 8 کے اسی رویا کے ایک سابقہ اقتباس کے ساتھ تعلق میں ہی قائم کی جا سکتی ہے۔ یہ رویا باب سات سے شروع ہوتی ہے، اور آیات سات اور آٹھ میں سر کی تعریف ایک بادشاہ، یا اُس کی مملکت، یا کسی مملکت کے دارالحکومت کے طور پر کی گئی ہے۔ یروشلم یہوداہ کا دارالحکومت تھا، جس کے 46 شہر سنحاریب کی فوج نے فتح کر لیے تھے، لیکن سنحاریب نے دارالحکومت یروشلم کو قائم رہنے دیا۔

زیرا سر آرام دمشق است، و سر دمشق رصین؛ و در مدت شصت و پنج سال، افرایم چنان شکستہ خواہد شد کہ دیگر قوم نباشد. و سر افرایم سامرہ است، و سر سامرہ پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواہید ماند. اشعیا ۷:۸، ۹

ہنگامی کہ سپاہ سنحاریب در سال ۷۰۱ پیش از میلاد بہ دیوارهای اورشلیم رسید، تا گردن بالا آمد، و بدین سان شاهی تاریخی از باقی ماندن روسیہ پس از فروپاشی ۱۹۸۹ بر جای گذاشت. چنان کہ آنتیوخوس بزرگ انتقام گیری خود را علیہ پادشاهی جنوبی آغاز کرد، در آہہ دہ بہ مرز مصر رسید، اما داخل نشد. آنچه در پیروزی آنتیوخوس در آہہ دہ اہمیت دارد این است کہ پایان یک لشکرکشی نظامی آنتیوخوس را نشان می دہد کہ فاقد نبردی مشخص بود، اما بیانگر کار او در بازاستقرار جغرافیایی است کہ پیش تر از دست رفتہ بود. فتوحات او در آہہ دہ نمایانگر پایان چندین پیروزی است. او لشکرکشی جنگ چہارم سوریه را در رافیا بہ پایان رساند؛ رافیا بہ معنای «سرزمین مرزی» است، و رافیا مرز، یا «گردن» مصر بود. لشکرکشی آنتیوخوس از ۲۱۹ پیش از میلاد تا ۲۱۷ پیش از میلاد نمایانگر سرریز شدن و عبور کردن فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ است، ہنگامی کہ پادشاہ از کشورها گذشت.

از منظر نبوتی، اشعیا ۸:۸ این امکان را فراہم می سازد کہ روسیہ، بہ عنوان گردن در نبرد سنحاریب، یا دژ در نبرد انطیوخس، در مقام پادشاہ جنوب در نبرد رافیا شناختہ شود؛ چنان کہ با تحقق آہہ یازدہم بہ تصویر کشیدہ شدہ است. بدین سان، این آہہ تاریخ بیرونی ممثل در اژدہا (پادشاہ جنوب)، وحش (پادشاہ شمال)، و نبی کاذب (قدرت نیابتی پادشاہ شمال) را بہ طور مستقیم با خط درونی نبوت، آن گونہ کہ در نبوت شصت و پنج سالہ آہہ ہفتم باب ہفتم نمایان شدہ است، پیوند می دہد.

از نظر نبوی، اہمیت برآمدن سنحاریب بہ سوی اورشلیم یکی از نیرومندترین شہادت های نبوی قدرت خدا را در کتب مقدس فراہم می آورد، زیرا خدا در آنجا لشکر سنحاریب را کہ متشکل از ۱۸۵,۰۰۰ مرد بود، در یک شب ہلاک ساخت. روز پیش از آن، بر حصار اورشلیم ہم ایلیاقیم و ہم شینا حضور داشتند؛ نمادہای ادونتیسیم لائودیکیہ ای و فیلادلفیہ ای کہ در در بستہ ۱۸۴۴ و در بستہ قانون یکشنبہ نشان گذاری می شوند.

اکنون در سال چہاردہم پادشاهی حزقیا واقع شد کہ سنحاریب، پادشاہ آشور، بر ضد ہمہ شہرهای مستحکم یہودا برآمد و آنها را گرفت. و پادشاہ آشور، ریشاکی را با لشکری عظیم از لاکیش نزد پادشاہ حزقیا بہ اورشلیم فرستاد. و او نزد مجرای برکہ بالای، در راہ کشتزار رخت شویان، ایستاد. آنگاہ ایلیاقیم، پسر حلقیا، کہ بر خانہ گماشتہ بود، و شینا، کاتب، و یواخ، پسر آساف، مذکر، نزد او بیرون آمدند. اشعیا ۳۶:۱-۳.

در باب ہفتم اشعیا، اشعیا با پیامی نزد آحاز شریر، پادشاہ یہودا، یعنی پادشاهی جنوبی، فرستادہ می شود. همان پادشاهی است کہ سنحاریب در باب ہشتم، آہہ ہشت، بہ آن حملہ می کند. ہنگامی

کہ اشعیا با آحاز شریر، پادشاہ، دیدار می‌کند، او را «نزد ناودان برکہ بالایی، در راہ مزرعہ گازر» ملاقات می‌کند؛ درست در همان جایی کہ ربشاقی بہ نام خداوند کفر می‌گوید۔ اشعیا تعلیم می‌داد کہ او و فرزندانش نشانه‌ها بودند۔

सय्योन जो, से ओर की यहोवा के सेनाओं में इस्राएल, है दिया मुझे ने यहोवा जनिहे बालक वे और मैं, देखो
18:18 यशायाह है। लयि के कामों अद्भुत और चनिह, है करता नवास पर पर्वत

ہنگامی کہ اشعیا با آحاز شریر «نزد مجرای استخر بالایی در راہ مزرعہ رخت‌شویان» دیدار کرد، پسر خود، شیعاریاشوب را نیز ہمراہ آورده بود؛ نامی کہ بہ این معناست: «باقی‌ماندہ‌ای بازخواہد گشت۔»

سپس خداوند بہ اشعیا فرمود: اکنون تو و پسرت، شیئارجاشوب، بیرون بروید تا با آحاز در انتہای مجرای حوض بالایی، در راہ کشتزار گازر، ملاقات کنید۔ اشعیا ۷:۳۔

شیئارجاشوب نشان می‌دہد کہ پیامی کہ اشعیا در «انتہای مجرای برکہ بالایی در راہ مزرعہ گازران» اعلام کرد، پیامی است کہ بازماندگانی را کہ بازمی‌گردند مشخص می‌سازد۔ آن بازماندہ همان کسانی‌اند کہ در کتاب ملاکی فراخواندہ می‌شوند تا با بازگشت نزد او، و با بازگردانیدن دہیک‌ها بہ خزانہ، خداوند را بیازمایند۔ آنان کہ بازمی‌گردند، ہمچنین در ارمیا بہ‌عنوان کسانی نمود یافتہ‌اند کہ پس از نخستین نومیدی بازمی‌گردند۔ در باب ہفتم، «انتہای مجرای برکہ بالایی در راہ مزرعہ گازران» اشعیا را در حال ابلاغ پیامی بہ پادشاہی شریر از پادشاہی جنوبی بہ تصویر می‌کشد؛ و در اشعیا سی‌وشش، الیاقیم، شبنہ و یوآخ وقایع‌نگار از جانب حزقیہ تعامل کردند، در حالی کہ ربشاقی نمایندہ سنحاریب بود۔

نخستین پیام «انتہای نہر برکہ بالا در راہ مزرعہ رخت‌شویان» بہ‌وسیلہ اشعیا و پسرش اعلام شد، و آخرین پیام «انتہای نہر برکہ بالا در راہ مزرعہ رخت‌شویان» بہ‌وسیلہ سہ شخص اعلام گردید۔ پیام نخست بہ پادشاہی داخلی بود و پیام دوم بہ پادشاہی خارجی۔ خط فاصل، دیوار است کہ نمادی از شریعت خداست، و قانون یکشنبہ کہ نمایانگر برداشتہ شدن دیوار جدایی کلیسا و دولت است۔ در قانون یکشنبہ، یا نزد دیوار، سہ نماد وجود دارد: الیاقیم فیلادلفیا است، شبنہ لائودیکہ است، و یوآخ کاتب ساردیس است۔

در زمان قانون یکشنبہ، بسیاری مطابق دانیال ۱۱:۴۱ سرنگون می‌شوند، و این اشخاص همان کسانی ہستند کہ در قبیل نوری کہ دربارہ سبت روز ہفتم بہ آنان دادہ شدہ است مسئوئل شناختہ می‌شوند۔ کسانی کہ در آیہ ۴۱ سرنگون می‌شوند، ادونتیست‌های روز ہفتم لائودیکہ ہستند، و الیاقیم نمایندہ فیلادلفیا است۔

اور اُس دن ایسا ہوگا کہ میں اپنے خادمِ الیاقیم بن حلقیہ کو بلاؤں گا۔ اور میں اُسے تیرے جیسے ملبس کروں گا، اور تیری کمر بند سے اُسے مضبوط کروں گا، اور میں تیری حکومت اُس کے ہاتھ میں سونپ دوں گا؛ اور وہ یروشلم کے باشندوں اور یہوداہ کے گھرانے کے لیے باپ ہوگا۔ اور میں داؤد کے گھرانے کی کنجی اُس کے کندھے پر رکھوں گا؛ چنانچہ وہ کھولے گا اور کوئی بند نہ کرے گا؛ اور وہ بند کرے گا اور کوئی کھول نہ سکے گا۔ یسعیاہ 22:20-22۔

اور کلیسیا کے فرشتہ کو جو فیلدلفیہ میں ہے لکھ: یہ باتیں وہ فرماتا ہے جو قدوس ہے، جو برحق ہے، جس کے پاس داؤد کی کنجی ہے، جو کھولتا ہے اور کوئی بند نہیں کرتا، اور بند کرتا ہے اور کوئی کھول نہیں سکتا؛ میں تیرے اعمال کو جانتا ہوں۔ دیکھ، میں نے تیرے سامنے ایک کھلا ہوا دروازہ رکھ دیا ہے جسے کوئی بند نہیں کر سکتا، کیونکہ تجھ میں کچھ تھوڑی سی قوت ہے، اور تو نے میرے کلام کو محفوظ رکھا ہے، اور میرے نام کا انکار نہیں کیا۔ دیکھ، میں شیطان کی جماعت والوں میں سے، جو اپنے آپ کو یہودی کہتے ہیں اور ہیں بلکہ جھوٹ بولتے ہیں، ایسے لوگوں کو

اس حال میں لے آؤں گا کہ وہ آکر تیرے قدموں پر سجدہ کریں گے، اور جان لیں گے کہ میں نے تجھ سے محبت رکھی ہے۔ مکاشفہ ۹۳:۷۔

شَبِنا با الیاقیم جایگزین می‌شود، و شَبِنا بر دیوار نمایانگر ادونت‌یست‌های روز هفتم لائودیکیه‌ای است که از پذیرفتن بهره‌ پیام باران اول یا آخر امتناع می‌ورزند. باران اول در پیوند با کلیسا به وسیله اشعیا و باقی‌ماندگانی که بازگشتند نمایانده شد، و آن پیام متوجه کلیسایی مرتد بود که به وسیله آواز پادشاه شری‌ر نمادین شده بود. پیامی که از دیوار داده شد، به پادشاه شری‌ر شمال که در پی مغلوب ساختن اورشلیم بود، داده شد، و این پیام نمایانگر باران آخر در نسبت با باران اول است. در حالی که کلیسای خدا داوری می‌شود، باران‌های اول یا سابقه به صورت نم‌نم فرو می‌ریزند، اما در هنگام قانون یکشنبه، باران بی‌پیمانه فرو ریخته می‌شود. پیام به آواز، پیام داخلی بود؛ پیام به سنحاریب، خارجی بود. صدای نخست مکاشفه ۱۸:۳-۴ تکرار پیام فرشته دوم است و داخلی است. صدای دوم مکاشفه باب هجده آیه چهار، خارجی است و پیام سوم است. اشعیا و پسرش پیام داخلی فرشته دوم را آوردند، و بر دیوار، همراه با پیامی خارجی، سه جان هستند.

ایلیاقیم همان صد و چهل و چهار هزار نفر است؛ شبنا نمایانگر آدونتیسیم لائودیکیه‌ای روز هفتم است که در آن زمان از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شود. یوآب وقایع‌نگار، گله‌ دیگر خدا را نمایندگی می‌کند که تاریخ منتهی به دیوار را ثبت می‌کنند تا هنگامی که علم ایلیاقیم برافراشته شود، آن را بازشناسند.

اشعیاہ 8:8، اشعیاہ کے ابواب چھ سے بارہ کے پیغامات کو دانی ایل 11:10 میں لے آتی ہے۔ ایسا کرتے ہوئے یہ دوسری گواہی فراہم کرتی ہے کہ حملے کے بعد سلطنت کا سر باقی کھڑا رہتا ہے۔ یہ ایک ٹوٹے ہوئے عہد کے اس استدلال کی نشان دہی کرتی ہے جو ایک جنگ کو بھڑکانے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹، در آیهٔ چهل، تا قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد و در آیهٔ بعدی به آن اشاره شده است، سی‌وهفت سال از تاریخ نبوی وجود دارد که آیهٔ چهل هیچ سخنی از آن نمی‌گوید. آیات ده تا پانزده دانیال یازده نمایانگر آن تاریخ نبوی است که در آیهٔ چهل مورد اشاره قرار نگرفته است. این امر تنها هنگامی دیده می‌شود که از روش «سطر بر سطر» استفاده شود. «اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواهید شد»، این هشدار نبوی است که به سه آیه‌ای پیوسته است که سال ۱۹۸۹ را توصیف می‌کنند، و تحقق تاریخی آیهٔ هشت اشعیا هشت، آزمونی را برای الباقیم و شینا به تصویر می‌کشد. آیا می‌بینید، یا کور هستید؟

آیت چهلویک دانیال یازده همان قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع در ایالات متحده است که به واسطه تاریخی که آیه شانزده را به انجام رسانید، به طور نمادین پیش‌نموده شده است.

اما آن‌که بر ضدّ او می‌آید، بر وفق ارادهٔ خویش عمل خواهد کرد، و هیچ‌کس در برابر او پایدار نخواهد ماند؛ و او در سرزمین باشکوه خواهد ایستاد، سرزمینی که به دست او به‌کلی نابود خواهد شد. دانیال 11:16

او به زمین جلال نیز داخل خواهد شد، و بسیاری از کشورها واژگون خواهند گردید؛ اما اینان از دست او خواهند گریخت: یعنی ادم و موآب و برگردگان، بنی‌عمون. دانیال 11:41.

تحقق الآيات من العدد السادس عشر إلى العدد الثلاثين في دانيال الحادي عشر، من الناحية التاريخية، هو تاريخ روما الوثنية. وكل سطر نووي في الأصحاح الحادي عشر من سفر دانيال إما أن يُمثِّل تاريخ روما الوثنية أو البابوية أو الحديثة. فكل سطر إما أن يحدِّد مباشرة تاريخاً رومانياً، أو أن يُمثِّل رمزياً تاريخاً رومانياً مستقبلياً. كل سطر. والآيات التي تشير مباشرة إلى التاريخ الذي تحقق بروما الوثنية، تُعدُّ نموذجاً لروما البابوية. ومعاً، فإن روما الوثنية وروما البابوية تشهدان لروما الحديثة. فروما هي

التي تُقيم الرؤيا، لأن الرؤيا من بداية الأصباح إلى نهايته تدور حول روما.

عیسی آشکار ساخت که خیانتی در میان است تا چون خیانت یهودا ظاهر شود، شاگردانش ایمان آورند.

«هنگامی که مسیح وای را بر یهودا اعلام کرد، در قبال شاگردان خود نیز مقصودی از رحمت داشت. بدین سان، برترین گواه مسیح‌بودن خویش را به آنان عطا کرد. او گفت: «اکنون، پیش از آنکه واقع شود، به شما می‌گویم تا چون واقع گردد، ایمان آورید که من هستم.» اگر عیسی خاموش مانده بود، چنان که گویی از آنچه بر او خواهد آمد بی‌خبر است، شاگردان ممکن بود چنین پندارند که استادشان از پیش‌آگاهی الهی برخوردار نبوده و غافلگیر شده و به دست آن جماعت آدم‌کش تسلیم گردیده است. یک سال پیش از این، عیسی به شاگردان گفته بود که دوازده تن را برگزیده است و یکی از آنان ابلیس است. اکنون سخنان او به یهودا، که نشان می‌داد خیانت او به‌طور کامل بر استادش آشکار بوده است، ایمان‌پروان راستین مسیح را در طی تحقیر او استوارتر می‌ساخت. و هنگامی که یهودا به فرجام هولناک خود می‌رسید، آنان وای‌ای را که عیسی بر خیانت‌کار اعلام کرده بود، به یاد می‌آوردند.» آرزوی اعصار، 655.

دسامبر ۳۱، ۲۰۲۳، شیر سبط یهودا آغاز به گشودن مهرهای مکاشفه خویش کرد، و آزمون بنیادی آغاز شد. آزمون بر سر این بود که آیا روم همچنان آن نمادی بود که رؤیا را در آیه چهارده برقرار می‌ساخت، یا اوضاع دگرگون شده بود؟ هنگامی که نخستین ضد‌مسیح از ایالات متحده در ۸ مه ۲۰۲۵ آغاز به سلطنت کرد، آیه چهارده تحقق یافته بود. آنگاه آشکار شد که رابطه میان ترامپ و پاپ لئون، به‌وسیله ریگان و ژان پل دوم پیش‌نمون شده بود. جنگ اوکراین که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، هنگامی که وزارت امور خارجه ایالات متحده انقلابی رنگی را در اوکراین پدید آورد، در دوران ریاست‌جمهوری اوباما رخ داد؛ او که در دوران دو پاپ فرمان راند. ریگان و ژان پل دوم در آیه ده، و سپس در سال ۲۰۱۴، جنگ اوکراین آغاز شد، چنان‌که در نبرد سرزمین مرزی آیه یازده، یا نبرد رافیا، به تصویر کشیده شده است. رافیا به معنای «سرزمین مرزی» است، و واژه «اوکراین» نیز همین معنا را دارد. در آن تاریخ، اوباما و دو پاپ، دومین نبرد از سه نبرد آیات ده تا پانزده را مشخص می‌سازند. سپس در ۲۰۲۴، ترامپ در تحقق آیه سیزده بازگشت. سپس در آیه چهارده، رؤیا با آمدن همتای پاپی ترامپ برقرار می‌شود.

آنچه برقرار گردید این بود که سه نبرد آیات ده تا پانزده، نمایانگر سه علامت راه است که هر یک، رابطه میان ایزابل و آخاب را در مسیر منتهی به کوه کرمل در قانون یکشنبه مشخص می‌سازد. در زمان ریگان، ایزابل در سامره بود و به واسطه اتحادی پنهانی، مخفی نگاه داشته می‌شد. سپس کاهنان بعل و انبیای بیشه، روح‌گرایی کاتولیسیسم لیبرال بیدار شده را برافراشتند، همراه با نمادپردازی اسکیزوفرنیک اوباما از هر دو: نبی کاذب پروتستانتیسم مرتد و نبی کاذب اسلام، پرستش مادر زمین، هرزگی و هرج‌ومرج انقلاب فرانسه. سپس ترامپ در ۲۰۲۴ بازگشت، و رابطه آشکار میان وحش و تصویر آن در ۲۰۲۵ ظاهر گردید. اکنون ۲۰۲۶ است، و آزمون رؤیت بیرونی بنیان به سلامت گذرانده شده است، و ما اکنون در رؤیای آزمون هیکل هستیم.

آیه یازدهم در نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد تحقق یافت، و نمونه جنگ اوکراین است که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، در سال ۲۰۲۲ تشدید گردید، و اکنون در آستانه پایان یافتن است. پوتین غالب خواهد شد، اما این پیروزی صرفاً آغاز زوال او را پدید می‌آورد. ساختار نوی آیه یازدهم و تحقق تاریخی آن در پیروزی بطلمیوس در نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد، در تحقق آیه یازدهم از باب یازدهم، با تاریخ نوی پادشاه عزیا منطبق است. هم بطلمیوس و هم عزیا پادشاهان جنوبی بودند که دل‌هایشان به سبب کامیابی‌های نظامی متکبر شد، اما همین دل‌های پرافراشته هر دوی ایشان را ساقط ساخت، و زوال هر دو با تلاش‌های متقابل برای تقدیم قربانی در مقدس اورشلیم مرتبط است.

در مقاله بعدی به بررسی ادامه زوال پوتین، که در آیه پانزدهم به نبرد پانیوم منتهی می شود، خواهیم پرداخت.